

خبر

اولویت‌های بودجه سال آینده زنان

● **مهر:**معاون رییس‌جمهور بر امور زنان و خانواده با انتقاد از ماده ۹ طرح جمعیت و تعالی خانواده گفت: معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری با برداشتن اولویت استخدام زنان مجرد مخالف است؛ بررسی‌های کارشناسی روی این بند در حال انجام است و به‌زودی نتایج آن در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌گیرد. شهیندخت مولاوردی با بیان این مطلب گفت: به زعم ما طرح استخداهنشدن زنان مجرد به‌عنوان اولویت دستسگاه‌ها نقض غرض است و باید بررسی‌های بیشتری روی آن انجام شود. هدف از طرح جمعیت و تعالی خانواده، افزایش مشوق‌هایی برای تشکیل خانواده و آوردن فرزند است اما در ماده ۹ تاکید بر برداشتن حق استخدام مجردها ابتدا برای زنان و سپس مردان شده است که این موضوع با هدف اصلی طرح تعالی خانواده در تناقض است و باید بررسی‌های بیشتری روی آن انجام شود. به گفته مولاوردی، کارشناسان معاونت زنان بررسی‌های لازم را روی ماده ۹ و همچنین برداشتن اولویت استخدام زنان مجرد انجام دادند و نتایج آن به‌زودی در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌گیرد.

وزیر بهداشت خبر داد

داروهای ناباروری بیمه می‌شوند

● **ایستنا:**وزیر بهداشت با اشاره به توافقات صورت گرفته میان سازمان غذا و دارو و سازمان‌های بیمه‌گر، گفت: به دنبال این توافقات، داروهای ناباروری بیمه خواهند شد.

نامه دانشجویان افغانی به روحانی

● **مهر:** تعدادی از دانشجویان افغانستانی دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی(ره) قزوین در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، نسبت به افزایش دوبرابری شهریه‌های خود ابراز نگرانی کردند. در این نامه آمده است: احتراماً به استحضار شما رسانیده می‌شود که تصمیمات اخیر هیات امنای دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی(ره) در مورد افزایش دوبرابری شهریه‌های دانشجویان غیرایرانی، به‌ویژه دانشجویان افغانستانی، موجی از نگرانی و مشکلات را برای جامعه علمی و فرهنگی افغانستان ایجاد کرده است. در ادامه این نامه آمده است:افزایش دوبرابری شهریه‌ها موجب شده است که تاکنون نزدیک به صدنفر از دانشجویان افغانستانی این دانشگاه از تحصیل خود انصراف داده و تعداد زیاد دیگری نیز در آستانه انصراف قرار گیرند. در پی این انصراف اجباری، مشکلات و زیان‌های جبران‌ناپذیری گریبانگیر این افراد خواهد شد.

شرق،محمدحسین نجاتی: نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که سرطان بیماری ترسناک و دردناکی است. قدرت این بیماری به حدی است که انسان را با ضربات خاموش و بی‌هوا، به گوشه رینگ مبارزه می‌برد، تا تنها برگ برنده فرد، تحمل ضربات و مقابله با آنها باشد. این بیماری در کنار بسیاری از بیماری‌های دیگر، صحنه‌های دراماتیکی دارد. نحوه مطلع‌شدن افراد مبتلا به بیماری از سوی پزشکان را تصور کنید؛ صحنه‌ای که به‌کلیشه‌ای مرسوم و سینمایی تبدیل شده و آن زمانی است که پزشک معالج عینک از صورت برمی‌دارد، لحظه‌ای مکث می‌کند، چهره‌ای همدردانه به خود می‌گیرد و می‌گوید: متأسفم، بیماری در بدن شما پیشروی کرده‌و شماسرطان دارید. از همین جاست که توده‌های روانی بیماری و ترس از مرگ در کنار درد بیماری در بین افراد شروع به انتشار می‌کند و بسته به ظرفیت‌های روانی و درونی افراد، روحیه بیمار را شکسته‌تر از قبل می‌کند. اما به تازگی مسأله‌ای این تصاویر کلیشه‌ای را به‌کلی به هم زده است. کسانی که به‌اشتباه بدون هیچ مراعاتی بیماری ساده آنها از سوی پزشکان و مسوولان آزمایشگاه‌های بیمارستان‌ها، سرطان تشخیص داده می‌شود. در این گزارش- «شرق» به سراغ دو شخصی رفته است که هر دو آنها با این اشتباه عجیب و دردسرساز مواجه شدند و از روزهایی روایت کرده‌اند که سلامت خود را از دست‌رفته می‌دیدند و خود را مبتلا به سرطان. در صورتی که بیماری آنها تنها یک بیماری ساده بوده و آزمایشگاه‌ها و پزشکان به اشتباه بیماری آنها را سرطان معرفی کرده‌اند. نفر اول، آقای مقصودی است، شهروند ۰حساله تهرانی که برای سفر به کشور استرالیا نیازمند دریافت گواهی سلامت جسمی بود و پس از

مراجعه به بیمارستان ایرانمهر و دریافت آزمایش سلامت جسمی، پزشکان و مسوولان آزمایشگاه این بیمارستان، به او گفتند: «متأسفم، شما سرطان دارید!» آقای مقصودی در این‌باره می‌گوید: «مراجعه من به بیمارستان ایرانمهر یک

مراجعه ساده و ابتدایی بود. سفارت استرالیا در تهران چند بیمارستان را به‌عنوان معتمد خود معرفی کرده است و یکی از بیمارستان‌ها ایرانمهر است. به همین خاطر من به این بیمارستان رفتم و آزمایش دادم. روز دریافت آزمایش با من تماس گرفتندو گفتندخودتان باید تشریف‌بیاورید. من رفتم و پزشکان آزمایشگاه بدون هیچ مقدمه‌ای به من گفتند شما سرطان دارید. او می‌افزاید: در این لحظه شوک بسیار زیادی به من وارد شد، اصلاً برایم قابل باور نبود و متأسفانه همسر هم همراه من بود و نمی‌دانست حواش به من باشد یا به خودش. او درباره دردسرهایی که طی این دو هفته به‌دلیل این اشتباه عجیب با آنها مواجه شده بود، می‌گوید: فرزندان من در خارج از کشور هستند و همگی ناراحت و دلمرده شدند. در تهران پیش‌خدمت ما سفره‌های نذری پهن کرد و خودم

روایت بیمارانی که به اشتباه با شوک مواجه می‌شوند

متاسفم، شما سرطان دارید!

هم چندکیلو وزن کم کردم و خانم من نیز به‌شدت متاثر بود. چراکه ترس سرطان در دل خود ترس از مرگ هم دارد و فشاری که طی این دو هفته بر من وارد شد، خیلی فشار سنگین و غیرقابل تحملی بود. او درباره چگونگی مشخص‌شدن این بیماری گفت: هفته بعد از خانه بیرون آمدم و با خودم گفتم بروم و دوباره در یک آزمایشگاه دیگری آزمایش بدهم. با تعدادی از پزشکان مشورت کردم و به یک آزمایشگاه رفتم و دوباره آزمایش دادم. نتیجه آزمایش را که گرفتم پزشک آزمایشگاه گفت شما هیچ مشکلی ندارید، از او پرسیدم من سرطان ندارم؟ پزشک خندید و گفت: نه ندارید، چرا این تصور را دارید. آقای مقصودی می‌افزاید: پس از آن به بیمارستان ایرانمهر رفتم و در آنجا دوباره آزمایش دادم که همان‌جا به اشتباه خودم پی بردم و رییس بیمارستان که فرد محترمی بود بهمراه مسوول آزمایشگاه از من عذرخواهی کردند اما با این وجود مانع شکایت من نشد و توضیح قانع‌کننده‌ای به من ندادند. از سسوی دیگر، سارا ۳۲ساله ساکن تهران است. او هم از جمله کسانی است که یک هفته با ترس

در آن لحظه دنیا جلوی چشمانم سیاه شد. چشمم به بچه‌ام افتاد گریه کردم. سه روز پشت سر هم گریه می‌کردم، خانواده‌ام از کرمان به تهران آمدند. به پیشنهاد دایی‌ام که پزشک بود دوباره آزمایش دادیم و معلوم شد من سرطان ندارم در این یک هفته تحمل دیدن بچه‌ام را نداشتم. یک کلمه با همسر حرف نزد

حرف

برایم قابل باور نبود و متأسفانه همسر هم همراه من بود و نمی‌دانست حواوش به من باشد یا به خودش. او درباره دردسرهایی که طی این دو هفته به‌دلیل این اشتباه عجیب با آنها مواجه شده بود، می‌گوید: فرزندان من در خارج از کشور هستند و همگی ناراحت و دلمرده شدند. در تهران پیش‌خدمت ما سفره‌های نذری پهن کرد و خودم

و دغدغه اجرای برنامه فرهنگی با رویکرد دینی چیزی در نظر وی نبود.»

وی با اشاره به حمایت‌های شهرداری تهران از امیر خوراکیان گفت: «تجمع‌ساختمان‌های این سازمان در یک ساختمان و خریداری یک ساختمان آبرومند برای این سازمان از جمله این حمایت‌ها بوده است.» هنری خوراکیان رییس سابق سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران با اشاره به اقدامات انجام‌شده در دوره مدیریت‌اش گفت: «از برگزاری برنامه بر آستان جلان در ۱۷شب و ۲۲منطقه به‌عنوان موفقیت نام می‌برم نه به این خاطر که یک برنامه مناسبتی در ماه مبارک رمضان بود بلکه چون ظرفیت سازمان را نشان داد و ثابت کرد این سازمان می‌تواند برنامه‌های فراگیر را انجام دهد.» وی افزود: «با وجود تمام حرف‌هایی که درباره سازمان در گوشه‌وکنار گفته می‌شود این سازمان نیروهای فعالی دارد. این برنامه‌ها را سازمان فرهنگی و هنری با اعتبار قابل‌توجهی در بخش جاری اجرا کرد و این موضوع نشان می‌دهد سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران می‌تواند با این مقدار هزینه جاری در صورت تأمین اعتبار ۱۰برابر این برنامه‌ها را اجرا کند.» به نظر می‌رسد این بخش از صحبت‌های خوراکیان متوجه انتقادهای اعضای شورای شهر درباره بالا‌بودن هزینه‌های جاری سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران بود.

خوراکیان در ادامه گفت: «ما قبلاً تنها کلاس گلدوزی، کامپیوتر و زبان برگزار می‌کردیم اما حالا کلاس مهارت‌های اجتماعی و کلاس‌هایی با موضوعات اخلاق و دین- را برای عموم برگزار می‌کنیم. او در ادامه با تشکر از قالیباف افزود: «آقای قالیباف به من می‌گفتند تو از شهرستان آمده‌ای مراقب باش در تهران مسائل خیلی دقیق‌تر است و من حالا به او می‌گویم آقای دکتر به‌طور کامل نه اما خیلی چیزها یاد گرفتم.» وی همچنین با اشاره به قبول حسابرسی سازمان در دوسال اخیر گفت: «من از آقای مرادی برای قبول این مسوولیت تشکر می‌کنم و به وی تبریک می‌گویم. تدین و شناخت دین ویژگی‌های مهم آقای مرادی است که امیدوارم در برنامه‌هایشان این ویژگی‌ها را برای جهت‌گیری محتوا و تنظیم فرمان سازمان به سمت ارزش‌ها و اصول دینی به‌کار بگیرند.»

در ادامه مجری برنامه برای دعوت شهاب مرادی به روی سن گفت: «منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن و به راستی آقای مرادی نیاز به معرفی من ندارد و تنها با عبارت مرثیه‌خوان امام‌حسین(ع) از وی دعوت می‌کنم تا روی صحنه بیاید. شهاب مرادی نیز با تشکر از حسن تعامل و اعتماد شهردار گفت: «من با فضای فرهنگی کشور به‌خصوص فرهنگ دینی آشنا هستم و این دیگر نیاز به پزدادن ندارد.»

در ادامه محمدباقر قالیباف روی صحنه آمد و عملکرد شهرداری تهران در بخش فرهنگ را رضایت‌بخش ندانست. انتقادهایی که به گوش شنوندگان آشنا بود. او در مراسم تودیع عسگری و معارفه نوریان هم در چند سال گذشته چنین انتقادهایی را مطرح کرده بود.

قالیباف گفت: «بند خاطرم است ابتدای فعالیت در شهرداری و به‌عنوان خدمتگزار مردم متدین و ولایت‌مدار شهر تهران به این نکته اشاره کردم که

سرطان زندگی کرده است و استرس زیادی به همسر و خانواده او وارد شده است. سارا می‌گوید: من بچه شیرده دارم و چند روزی بود نمی‌توانستم به کودکم شیر بدهم و حال مساعدی نداشتم. پیش دکتر رفتم و نتوانست تشخیصی بدهد و به یکی از بیمارستان‌های معروف در امیرآباد تهران رفتم. در آنجا پزشک متخصص زنان به من گفت باید آزمایش بدهی و وقتی که آزمایش دادم و پیش پزشک بردم، پزشک از من خواست بیرون باشم و به همسرم گفت در اتاق بماند. چند دقیقه بعد همسرم بسیار آشفته از اتاق بیرون آمد و هر چقدر اصرارش کردم چیزی به من نگفت. او می‌افزاید: در مسیر همسرم چند سیگار پشت سر هم کشید و آخر عصبانی شدم و او را مجبور کردم که حرف بزند و ماشین را متوقف کرد و کم کم به من درباره بیماری سرطان سینه گفت. سارا می‌افزاید: در آن لحظه دنیا جلوی چشمانم سیاه شد. چشمم به بچه‌ام افتاد گریه کردم. سه روز پشت سر هم گریه می‌کردم، خانواده‌ام از کرمان به تهران آمدند. به پیشنهاد دایی‌ام که پزشک بود دوباره آزمایش دادیم و معلوم شد من سرطان ندارم.

او با اشاره به حال‌وحوالی که طی این یک هفته داشته است، می‌گوید: ۳۲سال که سنی نیست، در این یک هفته تحمل دیدن بچه‌ام را نداشتم. یک کلمه با همسر حرف ندم. شب و روز گریه می‌کردم و جانم را از دست‌رفته می‌دیدم. ترس از مرگ نداشتم اما می‌دانستم سرطان سینه چه تغییرات و مشکلاتی را برای آدم به وجود می‌آورد. سارا می‌گوید از این بیمارستان شکایت کرده و یک سالی می‌شود که پیگیر کارهای شکایت است و هنوز به نتیجه نرسیده است.

ویژه‌وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که برای استیفای حقوق روزنامه‌نگاران در کنار سایر اقشار هنری و فرهنگی تلاش کنند که متأسفانه ظاهراً این مقوله در اولویت اصحاب این خانه بزرگ نیست. برای روشن‌ترشدن موضوع دلسنتانی بلند را در کلامی کوتاه بازگو می‌کنم. روزهای نخستین سالی که در آن هستنیتا به دلالی از روزنامه‌ای که در آن مشغول بودم جدا شدم و با دریافت برگ عدم نیاز برای انجام امور مربوط به بیمه بیکاری، به تأمین اجتماعی رفتم تا شاید با استفاده از این خدمات، دست‌کم سابقه ۱۶ساله فعالیت‌م هدر نشود. از زمانی که پرونده تشکیل دادم تا کار به سرانجام برسد، دقیقاً پنج‌ماهونیم گذشت. خسته از حرکت آونگی میان شعبه‌های مختلف تأمین اجتماعی و سنیوس و در طبقه‌ای این شعبه‌ها، به این فکر می‌کردم که از اساس قید سابقه و جمع‌آوری‌اش را بزنم تا بالاخره با همراهی چند کارمند یکی از شعبه‌ها کارم درست شد و شهروریمه بیمه بیکاری مقرر شد. بماند که رفتار یکی از کارمندان اداره کار یکی از مناطق بقدری زننده و از موضع اهدای صدقه بود که همان دوبری هم که برای انجام امور حضور و غیاب در اداره کار حاضر شدم کلی خودم را لهن و نفرین کردم که چرا همان اول قید پیوستگی سنوت کاری را نرزدم. بهر حال روند دریافت مقرری بیمه یکی، دوماهی ادامه پیدا کرد تا متوجه شدم نامه درخواست بیمه‌ام از وزارت ارشاد آمده شده است. بنابراین از ادامه دریافت مقرری بیمه بیکاری منصرف شد. برای پیگیری به صندوق حمایت از نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران رفتم که پاسخ شنیدم«فعلاً انجام بیمه از سوی وزارت ارشاد متوقف شده»... «چرا؟!»... «بدلیل بدهی ارشاد به سازمان تأمین اجتماعی»... البته این توبه را هم دادند که به‌زودی این شکل حل خواهد شد و اوضاع به روال سابق برمی‌گردد. اما همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد و نه از تسویه‌حساب ارشاد و تأمین اجتماعی خبری است و نه از فهرست بیمه‌شدگان جدید. حال‌این پرسش بیشتر از گذشته تو ذوق می‌زند که وزارت‌خلع‌ای که عهددار نقش متولی و حامی روزنامه‌نگار، نویسنده و هنرمند است آیا به‌راستی تفکیر صندوقش تا این حد به ته دیگ خورده که نمی‌تواند بدهی‌اش را با سازمان تأمین اجتماعی صاف کند؟ اساساً مگر زمانی که قفون بیمهشدن روزنامه‌نگاران برعهده ارشاد گذاشته شد، منبع تأمین مالی آن لحاظ نشد؟ این حجم از بدهی که سر به میلیاردها زده، میراثی است از دولت گذشته که بدون دراندیشی افرادی را فراتر از ظرفیت وارد صندوق حمایت کرد؛ قبول. اما وزارت ارشاد دولت جدید نباید در سریع‌ترین زمان ممکن راهی برای گشوده‌شدن گرهی بیاید که با حال و آینده جماعتی سروکار دارد که با کمترین‌ها ساخته‌اند و همچنان عاشق حرف‌شان مانده‌اند؟ یقیناً این موضوع که صندوق حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران با گسترش خدمات خود به کانون‌های فرهنگی مساجد در بروز چنین مشکلی بی‌تقصیر نبوده هم از نگاه کسی درد نمی‌ماند؛ اما آیا نباید وزارت معظم فرهنگ و ارشاد اسلامی در جایگاه نهاد بالادستی در عرصه فرهنگ و هنر، آن هم در دولت تدبیر، بیشتر از اینها پاسخگو باشد؟ آیا؟! ظاهراً تا اینجا حکایت‌ما وخملت بیمه‌ای، حکایت کوتاهی دست‌ما و بر نخیل‌بودن خرماست ولی همچنان بر این امید می‌تایم که شخص رییس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخگوی حقوق صنفی و مطالبات منطقی این قشر اجتماعی باشند.

شهرداری به سمت رویکرد فرهنگی و اجتماعی حرکت خواهد کرد و قطعاً به موضوع محله‌محوری دقت خواهد کرد.»

او افزود: «آیا اگر ما پل صدر خوب بسازیم دینمان را به انقلاب و اسلام و مردم ادا کردیم؟ و دیگر لازم نیست کاری کنیم؟ خیر. ساختن بزرگراه، تونل، پل و امثال فعالیت‌های عمرانی خوب است، جدای این مسائل باید به بحث فرهنگ شهروندان توجه شود و هدف ما رشد و تعالی انسان و نزدیکتر کردن انسان با خداست. این تفاوت ما با دیگر نظام‌هاست.» قالیباف ادامه داد: «بندہ سعی کرده‌ام به بضاعت کاری‌ام در شهرداری در جهت حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی و با یک جوهره دینی و انقلابی گام بردارم و در این زمینه تأکید بر موضوع مسجدمحوری داشته‌ام که البته نمی‌گویم در تمامی اینها موفق بوده‌ام.» قالیباف افزود: «امروزه شرایط فرهنگی شهر تهران زبینه‌د نظام اسلامی نیست و هنوز نمی‌توان گفت حرکت جدی صورت گرفته است.»

وی ادامه داد: «قطعاً یکی از مقصرینی که نتوانسته است حرکت جدی‌ای را در بحث فرهنگی ایجاد کند بنده هستم که بخشی از امکانات دستم بوده اما نتوانسته‌ام گام بردارم. من با خودم فکر می‌کنم که چرا با وجود حرکت‌های متعدد در حوزه فرهنگی نتوانستم نتیجه خوب و قابل‌قبولی بگیریم و به علت آن توجه نشده است حرکت‌های عمومی و همدلانه بوده است که امیدواریم با تغییرات انجام‌شده شاهد اقدامات بهتری در حوزه فرهنگی شهر تهران باشیم و نه حرکات جداگانه.»

شهردار تهران گفت: «کار فرهنگی کاری مینیاتوری است و با کار کلی متفاوت است و بنده در دوره جدید فعالیت‌م در شهرداری تهران بر توسعه حوزه اجتماعی که یکی از موضوعات انسانی است تأکید ویژه‌ای داشتم که این توسعه اجتماعی با رویکرد باورهای دینی شکل خواهد گرفت.»

وی ادامه داد: «امیدوارم سازمان فرهنگی و هنری بتواند ثقل کارهای فرهنگی و هنری شهرداری تهران شود و در حوزه فرهنگی باید توجه‌مان به بخش ایجابی باشد نه بخش سلبی. ما باید سلیقه‌ها را در عرصه فرهنگی بپذیریم و تا جایی که این سلیقه‌ها از چارچوب قانون و باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی خارج نشده است از آنها استفاده کنیم.»

شهردار تهران بیان کرد: «رییس جدید سازمان فرهنگی و هنری نیز برادر عزیزم شهاب مرادی که وی را مردم سراسر کشور می‌شناسند و مرادی نیز آشنا به مسائل روز جامعه، دینی و هنری است. از آقای خوراکیان هم تشکر می‌کنم او را به سمت مشاور خود در حوزه تشکیل‌های مردمی، مذهبی و هیات‌ما منصوب می‌کنم تا از تجربیاتش استفاده شود چراکه هیچ‌گاه موافق این نیستم که افراد از مجموعه شهرداری خارج شوند». بعد از پایان مراسم معارفه، سالن خالی شد و تعداد زیادی از دختران محجبه و پسران جوان برای شرکت در کلاس مجردهای شهاب مرادی به داخل سالن وارد شدند و تا این روحانی و واعظ محبوب جوانان پس از معارفه، به سمت ریاست سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران سر جلسه وخطباهش حاضر شد.

نگاه

اندر احوالات حقوق اجتماعی روزنامه‌نگار جماعت

آزاده معصومی

● روزگار روزنامه‌نگار جماعت در این دوران، گاه طعنه‌ای عجیب می‌زند به سسکائس‌های ترازیک؛ آنجا که پای معیشت و بهرهمندی از حقوق اجتماعی به میان می‌آید. هزینه‌هایی که روزنامه‌نگار ایرانی در دوره‌های مختلف و در لایه‌های روزهای کاری‌اش پرداخته داستانی است در قالب مثنوی هفتاد من کاغذ که مقال‌هایی از این دست ناتوان است از بازگویی آن. اما گاه صحنه‌هایی چندین و چندبار تکرار می‌شوند که با هر بار تکرار، می‌شوند نیشتری بر زخم کهنه نابلسایی اوضاع اجتماعی جماعتی که رسانتشان دفاع از حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی و آگاهی‌رسانی است، اما ای‌سیاس، خودشان اقتدر در جاده‌های بیج‌دریج حقوق اجتماعی‌شان می‌روند و می‌آیند که در نهایت عطای «حق» را به لقایش می‌بخشند. اما یک برگ از کتاب پرپرگ داستان روزنامه‌نگاران و حقوق اجتماعی، «بیمه» است؛ همان موضوعی که خیلی‌ها در عرصه رسانه هنوز هم نتوانسته‌اند به‌خوبی از خدماتش بهره ببرند و هر وقت یک مورد جدید پیش می‌آید گروهی را به فکر وامی‌دارد که این قشر اجتماعی چه زمانی می‌توانند فارغ از دغدغه آینده از پس هزینه‌های شغل زیان‌آورشان برآیند در جایی که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران چند سالی است پلمب شده و عملاً خانه و مأمنی برای روزنامه‌نگاران نیست که برای حل مشکلات صنفی‌شان به آن پناه ببرند، تنها روزنه امید توجه ویژه‌وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که برای استیفای حقوق روزنامه‌نگاران در کنار سایر اقشار هنری و فرهنگی تلاش کنند که متأسفانه ظاهراً این مقوله در اولویت اصحاب این خانه بزرگ نیست. برای روشن‌ترشدن موضوع دلسنتانی بلند را در کلامی کوتاه بازگو می‌کنم. روزهای نخستین سالی که در آن هستنیتا به دلالی از روزنامه‌ای که در آن مشغول بودم جدا شدم و با دریافت برگ عدم نیاز برای انجام امور مربوط به بیمه بیکاری، به تأمین اجتماعی رفتم تا شاید با استفاده از این خدمات، دست‌کم سابقه ۱۶ساله فعالیت‌م هدر نشود. از زمانی که پرونده تشکیل دادم تا کار به سرانجام برسد، دقیقاً پنج‌ماهونیم گذشت. خسته از حرکت آونگی میان شعبه‌های مختلف تأمین اجتماعی و سنیوس و در طبقه‌ای این شعبه‌ها، به این فکر می‌کردم که از اساس قید سابقه و جمع‌آوری‌اش را بزنم تا بالاخره با همراهی چند کارمند یکی از شعبه‌ها کارم درست شد و شهروریمه بیمه بیکاری مقرر شد. بماند که رفتار یکی از کارمندان اداره کار یکی از مناطق بقدری زننده و از موضع اهدای صدقه بود که همان دوبری هم که برای انجام امور حضور و غیاب در اداره کار حاضر شدم کلی خودم را لهن و نفرین کردم که چرا همان اول قید پیوستگی سنوت کاری را نرزدم. بهر حال روند دریافت مقرری بیمه یکی، دوماهی ادامه پیدا کرد تا متوجه شدم نامه درخواست بیمه‌ام از وزارت ارشاد آمده شده است. بنابراین از ادامه دریافت مقرری بیمه بیکاری منصرف شد. برای پیگیری به صندوق حمایت از نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران رفتم که پاسخ شنیدم«فعلاً انجام بیمه از سوی وزارت ارشاد متوقف شده»... «چرا؟!»... «بدلیل بدهی ارشاد به سازمان تأمین اجتماعی»... البته این توبه را هم دادند که به‌زودی این شکل حل خواهد شد و اوضاع به روال سابق برمی‌گردد. اما همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد و نه از تسویه‌حساب ارشاد و تأمین اجتماعی خبری است و نه از فهرست بیمه‌شدگان جدید. حال‌این پرسش بیشتر از گذشته تو ذوق می‌زند که وزارت‌خلع‌ای که عهددار نقش متولی و حامی روزنامه‌نگار، نویسنده و هنرمند است آیا به‌راستی تفکیر صندوقش تا این حد به ته دیگ خورده که نمی‌تواند بدهی‌اش را با سازمان تأمین اجتماعی صاف کند؟ اساساً مگر زمانی که قفون بیمهشدن روزنامه‌نگاران برعهده ارشاد گذاشته شد، منبع تأمین مالی آن لحاظ نشد؟ این حجم از بدهی که سر به میلیاردها زده، میراثی است از دولت گذشته که بدون دراندیشی افرادی را فراتر از ظرفیت وارد صندوق حمایت کرد؛ قبول. اما وزارت ارشاد دولت جدید نباید در سریع‌ترین زمان ممکن راهی برای گشوده‌شدن گرهی بیاید که با حال و آینده جماعتی سروکار دارد که با کمترین‌ها ساخته‌اند و همچنان عاشق حرف‌شان مانده‌اند؟ یقیناً این موضوع که صندوق حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران با گسترش خدمات خود به کانون‌های فرهنگی مساجد در بروز چنین مشکلی بی‌تقصیر نبوده هم از نگاه کسی درد نمی‌ماند؛ اما آیا نباید وزارت معظم فرهنگ و ارشاد اسلامی در جایگاه نهاد بالادستی در عرصه فرهنگ و هنر، آن هم در دولت تدبیر، بیشتر از اینها پاسخگو باشد؟ آیا؟! ظاهراً تا اینجا حکایت‌ما وخملت بیمه‌ای، حکایت کوتاهی دست‌ما و بر نخیل‌بودن خرماست ولی همچنان بر این امید می‌تایم که شخص رییس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخگوی حقوق صنفی و مطالبات منطقی این قشر اجتماعی باشند.

تک خبر

تنها شهردار زن گیلان معارفه شد

● **فارس:** مراسم تودیع و معارفه تنها شهردار زن گیلان با حضور مسوولان استانی برگزار شد و سکان هدایت شهر لولمان را به‌دست گرفت. «سیده‌مریم پاکزاده» با دریافت حکم، رسماً با کار خود مشغول شد. فرماندار رشت انتخاب شهردار جدید شهر لولمان که تنها شهردار زن گیلان است، توسط شورای اسلامی شهر لولمان را اقدامی ستودنی خواند و خواستار همکاری و همیاری مردم و شورا برای پیشبرد برنامه‌های عمرانی و آبادانی این شهر با پاکزاد شد.

جامعه